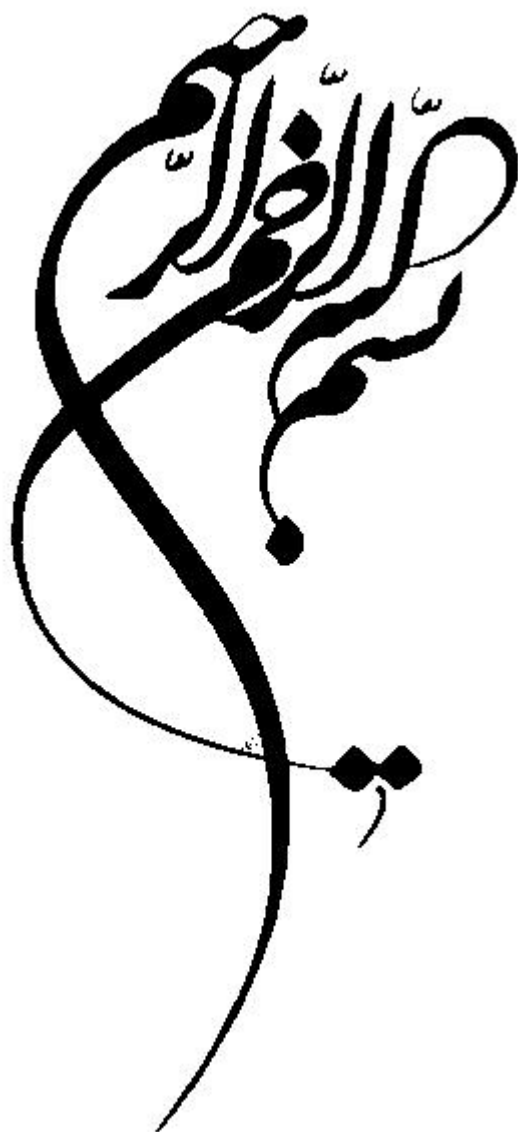




نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 1

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 2

سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است. امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

هر موجودی چهار وجود دارد

کسانی که در فلسفه الهی و در عرفان مثبت کار کرده و کارگشته شده‌اند و متخصص فن شناخته شده‌اند، برای هر موجودی در این عالم، چهار وجود قایلند. آنان برای گفتار و مطلب خود در این بحث، فقط به يك حقیقت مثل می‌زنند و آن، کتاب خدا قرآن مجید است. البته، آن‌ها بحث خود را به صورت کلی مطرح نموده و بیشتر آن‌ها هم مثالی را برای آن ذکر نکرده‌اند؛ چون فکر می‌کردند چنین مسأله‌ای، برای همه مردم، مسأله روشن و واضحی باشد.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 3

چهار وجود برای قرآن مجید

قرآن مجید، دارای چهار وجود است؛ یعنی دارای چهار جلوه هستی می‌باشد.

يك وجود قرآن، وجود کتبی قرآن است که عبارت می‌باشد از مجموعه سی جزء قرآن که با قلم بر صفحه نوشته می‌شود؛ همین قرآنی که به فرموده شیخ صدوق، بین دو جلد، در سی جزء، در صد و بیست حزب، در شش هزار و ششصد و چند آیه، در اختیار ماست. این قرآن، با قرآن زمان پیغمبر (ص) يك نقطه هم اختلاف ندارد. ترتیب این قرآن همان ترتیب زمان پیغمبر (ص) می‌باشد. آیاتش هم بی‌کم و زیاد، آیات زمان پیغمبر (ص) است. «1»

در يك کلمه، اگر این گونه نبود، حجت خدا بر بندگانش کامل نبود و ناقص بود و خدا هم حجت ناقص ندارد. در همه چیز و در هر کجا، حجت پروردگار عالم، کامل، تمام و جامع است. برای این که به قول خود قرآن، تا فردای قیامت، کسی به خداوند نگوید: اگر راهنمایی کرده بودی، و اگر گفته بودی، من عمل می‌کردم. از کجا معلوم

(1) 1. شیخ صدوق، اعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، ص.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 4

می شود که من عمل نمی کردم. خود پروردگار می گوید، من این هدایت را کامل و جامع فرستادم که روز قیامت کسی بر خدا حجت نداشته باشد: (لَقَدْ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا). «1» این وجود وجود کتبی قرآن هست.

وجود دوم قرآن، وجود لفظی است. وجود لفظی قرآن، عبارت است از آیاتی که انسان از روی صفحه کاغذ یا از صفحه ذهنش، بر زبان جاری می کند: (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ). «2»

همان وقتی که داریم يك خطبه را، يك صفحه کاغذ را، يك (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ) را بر زبان جاری می کنیم؛ یعنی آیه را تلفظ می نمایم و آن را می خوانیم. در اینجا، پیغمبر اکرم (ص)، به خوانندگان قرآن، يك سفارش بسیار بسیار مهم دارد که خوانندگان قرآن باید این سفارش

(1) 1. نساء: 165.

(2) 2. بقره: 1.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 5

پیغمبر (ص) را حتما عمل کنند. آن سفارش این است که شما باید هنگام خواندن قرآن، (طهروا افواهکم). «1»: با دهان و زبان پاک، قرآن را بخوانید. با دهان یهودی مسلک، با زبان مسیحی مسلک، با زبان لائیک مسلک، با زبان آلوده به حرام، با دهان آلوده به گفته های باطل، یاوه، سب، ناسزا و فحش، قرآن را نخوانید. این قرآن، دارای پاک ترین آیات، پاک ترین کتاب و پاک ترین حکمت است که باید در دهان های پاک جاری بشود؛ یعنی اگر کسی بخواهد قاری مورد قبول خدا

باشد، همیشه پاك می ماند؛ دهانش؛ زبانش؛ بدنش؛ جسمش؛ پوستش؛ گوشش. قرآن کریم، حریم علم پروردگار است. ورود به این حریم، باید با پاکی انجام بگیرد: (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ). «2» برخی از مفسران می گویند: فعل: (لَا يَمَسُّهُ)، معنای امری دارد؛ یعنی

(1) 1. مستدرک الوسائل، محقق نوری، تحقیق مؤسسه آل البیت: ج 1، ص.

(2) 1. واقعه: 79.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 6

کسی که پاك نیست حق ندارد با قرآن تماس بگیرد؛ لذا دیده می شود حضرت زهرا (س) بعد از مرگ پیغمبر، یکبار هم، نه هنگام باز بودن پنجره، و نه با باز کردن پنجره، اگر بسته بود، نخواست که صدای اذان گویان حکومت زمان خودش را بشنود؛ مستمع نشد.

ما يك استماع داریم و يك سماع. يك وقت، صدا به گوش می خورد، ولی آدم اصلاً توجهی به آن صدا ندارد. حتی به صدای الفاظ هم متوجه نیست تا چه برسد به معانی آنها.

صبح، ظهر و شب، کنار مسجد پیغمبر که خانه حضرت زهرا (س) در آنجا بود، اذان می گفتند و ایشان نشنید؛ چون نمی خواست بشنود. در این نود و پنج روز، فقط یکبار به درخواست خودش، بلال اذان گفت که آن هم نیمه کاره ماند؛ چون این زبان، این گلو و این بدن، این روح را صد در صد پاك می دانست. او می گفت: (الله اکبر) از این گلو و زبان، شنیدنی است، ولی نسبت به بقیه (الله اکبر) ها باید در گوش را گرفت و نباید شنید.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 7

زیقیم «1» در گوش کن تا نشنوم یا درم بگشای تا بیرون روم «2» وقتی ابلیس به عیسی بن مریم (ع) گفت: يك (لا اله الا الله) بگو. گفت: نمی گویم. گفت: مگر این شعار توحید نیست؟ گفت: چرا. گفت: پس چرا نمی گویی. عیسی (ع) گفت: برای این که تو می گویی، من نمی گویم؛ چون گفتار تو و درخواست تو، توأم با آلودگی است و هدف ناشایستی از

آن داری که وقتی به من می گویی، آن را بگو. من نمی گویم؛ (لا اله الا الله) ای که تو می گویی، با هر آلودگی ای می سازد و این (لا اله الا الله) ای که ما می گوئیم، با هر پاکی ای می سازد.

(1)*. زیق؛ یعنی سیماب (فلزی مایع)، جیوه

(2) 1. سعدی.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 8

این که چه کسی آن را اظهار می نماید، فرق می کند. «1» به هر حال، این وجود دوم است.

پس يك وجود قرآن، وجود کتب آن است و يك وجود دیگر آن، وجود لفظی.

اما وجود سوم قرآن، وجود ذهنی است. حفظ قرآن، گاهی با يك قرآن روی کاغذ است و گاهی با يك قرآن بر روی زبان، و گاهی هم با يك قرآن در حافظه، حافظ قرآن است. آن قرآن هم قرآن است، ولی وجود ذهنی قرآن.

وجود چهارم کتاب خدا، وجود عینی آن است. (عین)؛ یعنی وجود حقیقی؛ به عبارت دیگر؛ یعنی وجودی که همه آثار شیء، از این وجود ظهور می کند.

حالا این پرسش مطرح می شود که وجود عینی قرآن کداميك از این قرآن های گفته شده است.

(1) 1. إحياء علوم الدين، جلد 8، ص 53.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 9

این قرآن‌هایی که آن را تلاوت می‌کنیم، قرآن کتبی است. قرآن‌های موجود در ذهن حافظان هم که وجود ذهنی آن است. قرآنی نیز که بر روی زبان جاری می‌شود، قرآن لفظی است. پس آن قرآن عینی کدام است؟

قرآن عینی و حقیقی فقط در وجود انسان کامل

قرآن عینی و قرآن حقیقی را فقط باید در وجود انسان کامل ببینید. ما يك مقدار قرآن حفظ هستیم و قاری قرآن هم می‌باشیم و چند جور هم قرآن چایی در خانه‌هایمان داریم، اما ما قرآن عینی نیستیم. قرآن عینی فقط در وجود انسان کامل قابل مشاهده است؛ یعنی آن انسانی که از ابتدای ورود به تکلیف یا بندگی خدا تا لحظه خروج از دنیا، در ایمان، اخلاق و عمل از نظر قرآن کم نداشت. این سخن، تعریف قرآن عینی است.

ارزش این قرآن عینی، برای کسی قابل درك نیست؛ علتش هم این است که عقل‌های ما محدود

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 10

بوده و دنیا هم محدود است. ما اگر بخواهیم چیزی را عظیم‌تر از این دنیا ببینیم، این‌جا نمی‌توانیم آن را ببینیم؛ چون این‌جا گنجایش آن را ندارد و ما را باید در يك عالم دیگری ببرند که در آن عالم، حقیقت انسان کامل قابل ظهور باشد و بعد به اولین و آخرین انسان‌ها بگویند، اگر می‌خواهی آن انسان کاملی را ببینی که مصداق عینی قرآن بوده، الان آن برای تو قابل دیدن و قابل تماشاست؛ آن هم نه با چشم سر؛ بلکه با چشم عقلی که به عین الله وصل است؛ چون اگر آن چشم قلب هم وصل به چشم خدا نباشد، آن انسان کامل هم با کمالاتش برای تو قابل مشاهده و قابل دیدن نخواهد بود.

فاطمه علیها السلام، از مصادیق واقعی آیات قرآن

حالا ما باید برای درك این وجود عینی، به سراغ يك انسان کامل یا به تعبیری، قرآن عینی و مصداقی برویم. من برای شما چند آیه قرائت

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 11

می‌کنم و بعد طبق خود قرآن و روایات، دنبال مصداق این آیات می‌گردم. خیلی راحت هم این مصداق قابل پیدا کردن است؛ چرا که تاریخ اسلام از زمان بعثت پیغمبر تا الان که ما این‌جا نشسته‌ایم، تقریباً به صورت روشن در اختیار ماست و ما در کلّ امت، یکی از انسان‌های کاملی را که می‌توانیم بگوییم از مصادیق واقعی آیات قرآن است، حضرت فاطمه (س) است. در این بخش هم قرآن فقط يك مصداق دارد و دو تا مصداق ندارد. شما هیچ دلیلی را هم نمی‌توانید پیدا کنید که در این بخش خاص، قرآن دو مصداق داشته باشد. در این بخش، يك انسان کامل، بیش‌تر وجود ندارد و بقیه انسان‌ها ما دون این انسان و زیر مجموعه او در کمالات و فضایل هستند و آن، وجود مبارك فاطمه زهرا (س) است که در زنان جهانیان، تنها انسان کاملی که مصداق آیات قرآن می‌باشد، اوست. مریم کبری (س)، خدیجه کبری (س)، زینب کبری (س) و هر زنی که در دایره انسان کامل بودن می‌باشد، ما دون ایشان است و او مصداق اتم،

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 12

اجمع، اکمل، اکتع «1» مجموعه آیات قرآن مجید در جنس زنان، بوده و دومی و هم‌وزن دیگری ندارد.

این مطالبی که می‌گویم، دلیل قرآنی همراه آنان است، نه این که به عنوان يك روحانی شیعه، برای مستمع شیعه، عظمتی را بسازم و القا بکنم. عظمت‌سازی بدون دلیل قرآنی و روایتی، کار نادرستی است. لطف مسأله، این است که ما از چهارچوب قرآن و روایات برای معرفی این عزیزان بیرون نرفته و از خودمان چیزی را نسازیم؛ چون اگر از چهارچوب قرآن و روایات، آن‌ها را به کنار ببریم، یا درباره آن‌ها دچار افراط می‌شویم یا دچار تفریط؛ چنان‌که آن‌هایی که دچار تفریط شدند، صدیقه طاهره را تا جایی پایین آورده‌اند که در حق او فقط می‌گویند حضرت زهرا (س) زنی بزرگوار، همسر علی بن ابی‌طالب و انسانی پاک است و قابل این است که الگو باشد. این‌ها در جاده تفریطند، و آن‌هایی که مقام‌سازی می‌کنند، آن هم مقام

(1)*. همگی.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 13

الوهیت و ربوبیت برای آن حضرت، آنان نیز در جاده افراطند؛ چرا که قرآن می گوید: (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ). «1»: هیچ چیزی در این عالم، در هیچ چیزی، مانند خدا نیست. بنا براین، بهترین راه شناخت، آیات قرآن و روایاتند که نه افراط دارند و نه تفريط. قرآن کلام عدل است؛ قرآن کلام حق است. البته، آیاتی که مصداق اکتع و اکملش این انسان کامل در جنس زنان است، کم نیست. من برای نمونه چند آیه آن را می خوانم، شاید هم بعضی از این آیات برای تان تازگی داشته باشد. فکر نکنید که می خواهم به سراغ آیه تطهیر و آیه مباهله و آیات سوره دهر بروم که این آیات را صدها بار شنیده اید. آنها در جای خودش معلوم و روشن است؛ بلکه باید درباره این آیه که می گویم و آثارش، دقت کنید.

(1) 1. شوری: 11.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 14

فاطمه (س) بلد طیبه است

يك كاری که خداوند متعال برای نزدیک کردن حقایق به ذهن مخاطبش در قرآن کرد، مثل زدن است. در همه زمینه ها، زمینه های علمی، طبیعی، فلسفی، عرفانی، انسانی و اخلاقی، خداوند مثل زده است، همه. این مثل ها در قرآن مجید هست: (و تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) «1»: ما این مثل ها را برای شناخت شما می زنیم تا شما را به حقیقت نزدیک کنیم و شما راحت تر با مثل به عمق حقیقت برسید.

ببینید این آیه چه می گوید: (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ ...). «2» نمی گوید: (وَ الْبَلَدُ). سرزمین خالی را نمی گوید؛ بلکه سرزمین را مقید به کلمه طیب می کند. حالا شما همین لغت طیب را با مشتقاتش در قرآن

(1) 1. حشر: 21.

(2) 2. اعراف: 58.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 15

بگیرید: (وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ) «1»، (أَذْهَبْتُكُمْ طَيِّبَاتِكُمْ) «2»، (طَبِئْتُمْ). «3» (طَيِّب)، این لغت یعنی چه؟ کلمه (طَيِّب)؛ یعنی پاک ناپی که هیچ آلودگی با او گره ندارد؛ (طیب) مقابل (خبیث) است؛ چون در آیه بعد هم کلمه (خبیث) را آورده و رو در روی (طَيِّب) قرار داده است. این رو در روی، در خیلی چیزها هست: نور و ظلمت، حق و باطل، ابلیس و خدا، حرام و حلال، حیات و مرگ. اینها همه با هم تقابل دارند. تقابل دارند، یعنی چه؟ یعنی این که هیچ کدام با يك دیگر هیچ نسبتی ندارند. طَيِّب يك داستانی دارد و خبیث هم يك داستانی دیگر؛ هم چنین نور يك داستانی دارد و ظلمت يك داستان دیگر. شما به اندازه يك سر سوزن ظلمت را در نور پیدا نمیکنی. يك سر سوزن نور را هم در ظلمت پیدا نخواهی کرد. اصلاً این دو تا با هم

(1) 1. نور: 26.

(2) 2. احقاف: 20.

(3) 3. زمر: 73.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 16

تقابل دارند؛ نه صفت ابلیس در خدا هست و نه صفت خدا در ابلیس.

(وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ): زمین پاک، (يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ) «1»، خیلی آیه عجیبی است. (طَيِّب)، (اذنرب)، (نبات)؛ یعنی تا دست خدا در بلد طَيِّب در کار نباشد، بلد طَيِّب آثاری را ظهور نمی دهد.

دست خدا وقتی در بلد طیب بیاید، چه دستی است؟ دست قدرت، دست علم، دست رحمت، دست کرامت، دست احسان، دست فضل. این‌ها دست خداست.

(وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ) «2» درباره آیه باز دقت بفرمایید. (بلد) با قید (طیب)، با قید (اِذْنِ رَبِّ) و (خروج) و سر در آوردن آثار این بلد طیب است، ولی با دست اندرکار بودن دست خدا که همان دست صفات خداست.

(1) 1. اعراف: 58.

(2) 2. اعراف: 58.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 17

وجود مقدس حضرت زهرا (س)، بلد طیب است؛ کسی که در این بلد طیب دانه پاشید، پیغمبر اسلام (ص) بود. دیگر، باغبانی، نمونه او نیست. يك انسان کامل آمد دانه‌های قرآن را، آیات توحید را، علم را، معرفت را، اصالت را، شرافت را، اخلاق را، عمل صالح را در این زمین پاشید. او فقط این دانه‌ها را پاشید. باغبان این دانه‌ها، ربّ فاطمه (س) بود. خداوند متعال با جلوه ربوبیتش، تمام کاشته‌های پیغمبر (ص) را از این سرزمین بیرون آورد.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 18

تعریف جامع و مانع از فاطمه (س)

پس حالا زهرا (س) را با این مقدمه چگونه باید معنا کرد، با این جمله باید تعریف کرد. این جمله را دقت بکنید! این شکل از تعریف را می‌گویند، جامع افراد و مانع اغیار. این تعریف، يك تعریف منطقی است که يك عالم در این عالم به این تعریف نسبت به حضرت زهرا (س)، راه وارد کردن ایراد را اصلاً ندارد. ما به هر کس هم که ایراد بر این تعریف داشته

باشد، با قرآن جواب می‌گوییم، و یا فقط با روایات خودشان. این تعریف، مانع اغیار و جامع افراد است؛ يك تعریف علمی و منطقی: حضرت زهرا (س)؛ یعنی انسانی که جامع تمام کمالات ملکی و ملکوتی و فاقد تمام عیب‌ها و نقص‌ها. او مصداق عینی این آیه است. شما هر چه حقیقت معنوی در این عالم می‌بینید، از ایشان ظهور کرده و هر چه نعمت اخروی است، فردای قیامت در کنار ایشان بروز می‌کند. این را از جهت اخرویش، ساده‌تر معنا کنیم.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 19

فاطمه (س)، حبیبه حق است

که این در روایات ما وارد شده است که دارای معانی عمیقی است که کمتر به آن توجه شده است. در قیامت بنابر روایات اصیل‌مان، پروردگار عالم به حضرت زهرا (س) خطاب می‌کند: (یا حبیبی!). «1» «2» این عکس آن جمله دعای کمیل است. در دعای کمیل، امیرمؤمنان (ع) به خدا می‌گوید: (حبیب)؛ می‌گوید: (يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ!). در قیامت خدا به زهرا (س) می‌گوید: ای حبیبه من. این عکس آن جمله است پیش خدا چه چیزی ارزش دارد؟ این قیافه، این بدن، وزن بدن؟ نخیر، آنچه

(1) 1. شیخ صدوق، أمالی، تحقیق مؤسسه بعثت، ص 69.

(2)*. بخشی دیگر از متن مورد نظر روایت که امام باقر علیه السلام آن را از جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند، چنین است: «قال رسول الله 6: إذا كان يوم القيامة تقبل ابنتي فاطمه ... فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله: يا حبیبی و ابنه حبیبی! سلینی تعطی، و اشفعی تشفعی، فوعزتی و جلالی لاجازتی ظلم ظالم. فتقول: إلهی و سیدی! ذریتی و شیعتی و شیعه ذریتی، و محبی و محبی ذریتی. فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله: أين ذریه فاطمه و شیعتها و محبّوها و محبو ذریتها؟ فیقبلون و قد أحاط بهم ملائکة الرحمة، فتقدّمهم فاطمه حتی تدخلهم الجنة.»

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 20

پیش پروردگار ارزش دارد، فقط واقعیات وجود انسان است که رنگ بی‌نهایتش در خودش می‌باشد؛ چون عبدی را متصل به خودش در صفات، در فعل، در اخلاق می‌بیند، او می‌شود محبوب پروردگار: (یا حبیبی!): حبیب من! تمام درهای بهشت بر روی تو باز است، از هر دری می‌خواهی وارد شو. انگار، خدا به زهرا (س) می‌خواهد بگوید، این هشت بهشت ملك تو است. برو دختر با عظمت پیغمبر (ص)! او به امر الله حرکت می‌کند. وقتی که بر دم در بهشت است (حالا این دری که می‌گویم، در اصطلاحی نیست؛ این در، مقام و مرتبه است) وقتی به آنجا می‌رسد، برمی‌گردد به طرف محشر و می‌ایستد.

حبیب با محبوبش گفت و گو می‌کند: دختر پیغمبر! همه درها که اکنون بر روی تو باز است، پس چرا نرفتی؟

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 21

حضرت زهرا (س) می‌گوید: خدایا! من دل تنها رفتن به آنجا را ندارم؛ یعنی اگر بروم، خوش نیستم.

خدا می‌گوید: پس با چه کسی می‌خواهی بروی؟

می‌گوید: خدایا! با هر که در دنیا از نظر قلب، عمل و چشم، با ما در ارتباط بوده؛ قلبش محبت ما بوده، چشمش گریان برای من و بچه‌هایم بوده، عملش هم در حدّ خودش هماهنگ با من بوده است.

خطاب می‌رسد: من عددی برایت نمی‌گذارم، هر کسی را می‌خواهی صدا کن.

آن وقت، میلیون‌ها نفر با يك ندای ای پیروان ما و محبین ما و گریه‌کنندگان بر ما! من منتظر شما هستم که با شما به بهشت بروم؛ بیایید! و هم آن‌ها راه می‌افتند.

اگر بگویید: پس دادگاه‌های ما چه می‌شود؟ می‌گویم: گریه‌کن، عاشق و فرد عامل که دادگاه فوق‌العاده‌ای ندارند. دادگاهی شدن را هم به شما می‌بخشند. چون مگر شما آلوده به گناهان کبیره‌اید

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 22

که نگه‌تان دارند، یا آلوده به ربا، شراب، قمار، ظلم بوده‌اید، و یا حق را ناحق کرده‌اید که شما را نگه دارند؟ ما لغزش داریم، اما این لغزش‌ها کم است؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان (ع) در خطبه متقین در وصف آنان می‌گوید: (قَلِيلًا ذَلَّلُهُ)

«1»، و اصلاً با رحمت و کرم خدا سازگار نیست که برای يك لغزش کم بگوید، فرد را نگهش دارید؛ زنجیرش کنید؛ برایش دادگاه تشکیل بدهید. در دنیا دادگاه‌ها این کار را نمی‌کنند؛ به طرفین دعوا می‌گویند، بروید از هم بگذرید، آن وقت خدا برای لغزش کم، سختگیری می‌کند؟!

فقط گریه خالی مُحیی، عاملی و گریه‌کننده‌ای، خارِ لغزش‌ها را می‌سوزاند و خاکستر می‌کند.

آن وقت همه راه می‌افتند. وقتی همه نزدیک بهشت آمدند، فاطمه زهرا (س) می‌گوید، شما وارد شوید، من تا نفر آخرتان در بهشت نرود، خودم نمی‌آیم؛ یعنی شما در بهشت مهمانِ آثارِ آنهایی

(1) 1. نَحْجُ الْبَلَاغَةَ، ص 199، خطبه حضرت در وصف متّقین و مؤمنان.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 23

هستید که در وجودتان ظهور کرده؛ یعنی هر کس از این امت در بهشت برود، سر سفره علی، فاطمه، حسن و حسین: نشسته است، نگوید متعلّق به خودم است. اگر آن‌ها نبودند، ما نه به خدا راه داشتیم، نه به بهشت. این هشت رکعت نمازی را هم که امروز به ما اجازه دادند بخوانیم والله قسم، به خاطر گل روی فاطمه (س) به ما اجازه دادند، ما خواندیم. این نماز ما هم متعلّق به گل روی زهرا (س) بود. آن روزه ماه رمضان ما هم متعلّق به اهل بیت: است. آن حج ما هم متعلّق به اهل بیت: است. این اشک چشمان ما هم متعلّق به اهل بیت: است. ما چیزی از خودمان نداریم، آن‌ها را در دنیا به ما کریمانه می‌پردازند و فردای قیامت هم به صورت بهشت همین پرداخت‌ها ظهور می‌کند.

آنچه گفته شد، معنای بلد طیب بود: (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ). «1» باغبانی مثل خاتم

(1) 1. اعراف: 58.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 24

انبیاء (ص) دانه‌های ملکوتی را به صورت قرآن در زهرا (س) قرار داد. خداوند این دانه‌ها را با علم، رحمت، کرم، لطف، فضل و احسانش شکافت. چه گل‌هایی، و چه محصولاتی، از شکافته شدن این دانه‌ها به وجود آمد. تمام نمازهای زهرا (س) و روزه‌های زهرا (س) همین: **(يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ)**. «1» بود. نبات‌ها و رویدنی‌ها گوناگون بود و یکی از رویدنی‌های وجود این بلد طیب، حسن، حسین و زینب کبری: است. این‌ها درخت این زمینند. آنجا هم خدا باز مثل می‌زند: **(ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ)**. «2»

برای این که قوت بین دو زمین پاک را بتوانید اندازه بگیرید، باز باید به قرآن مراجعه کنید. حضرت مریم (س) هم بلد طیب بود. فقط يك

(1) 1. اعراف: 58.

(2) 2. ابراهیم: 24.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 25

عیسی (ع) از او به وجود آمد. عیسی (ع) هم هیچ فرزندی از او به وجود نیامد و در سنّ سی و سه سالگی، او را به آسمان‌ها بردند. اما از زهرا (س)، نه امام معصوم به وجود آمد. قوت زمین و قدرت زمین را ببین!

بهار علی (ع) کنار فاطمه (س)

اما این زمین را خداوند متعال کنار بهاری مثل امیرمؤمنان (ع) قرار داد. چرا من از امیرمؤمنان (ع) تعبیر به بهار کردم؟ همین امروز مفاتیح را بخوانید. در آخرش يك سلسله دعا است. سر صفحه، به خط درشت نوشته است: دعا و زیارت ولی عصر (عج). در زیارت‌های امام زمان (عج)، يك جمله‌اش این است: **(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِيعَ الْأَنَامِ!)** «1»: درود بر تو ای بهار انسان‌ها. امام زمان (عج) بالاتر است یا امیرمؤمنان (ع)؟ پیغمبر (ص) می‌گوید:

(1) 1. ص 875.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 26

امیرمؤمنان (ع)، برتر از فرزندانیش است. حتی برتر از حسن و حسین (ع): (اَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا). «1» علی (ع)، امام حسن بن علی و حسین بن علی (ع)، و حسن و حسین (ع)، مأموم امیرمؤمنان (ع) هستند. وقتی امام زمان (عج) بهار انسان‌ها باشد، البته، این بهار بودنش را از علی (ع) گرفته است.

خزانِ بهار علی (ع)

خدا بهاری مثل علی (ع) را کنار زهرا (س) قرار داد و از نسیم این بهار است که نه امام از این سرزمین سر بر آوردند و دنیا و آخرت را هر کدامشان به تنهایی روشن کردند. وقتی امام زین‌العابدین (ع) گلوی بریده پدر بزرگوارش را روی خاک گذاشت، فرمود: (اَبَتَا! اَمَّا الدُّنْيَا، فَبِعَدُكَ مُظْلِمَةٌ؛ فَاَمَّا الْآخِرَةُ، فَبِنُورِ وَجْهِكَ مُشْرِقَةٌ). هریک از

(1) 1. عیون اخبار الرضا 7، ج 1، ص 26.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)، ص: 27

امامان، مُشْرِقِ آخرتند و جدا کردنشان از زندگی، مُظْلِمِ زندگی هر انسان جداشونده‌ای است.

بهار فصل خیلی زیبایی است، هوای خیلی زیبایی دارد، نسیمش حیات‌بخش است، بهار برای تمامی اهل دنیا زیباترین و با نشاط‌ترین و صفابخش‌ترین زمان است. هیچ بهاری در عالم، بهار وجود علی (ع) نیست، و به دلیل قرآن، با شهادت زهرا (س) این بهار خزان شد. تمام گل‌های این بهار پیر شد، تمام گل‌ها؛ چون گفتیم زهرا (س) انسان کاملی است و به دلیل

آیات و روایات، تعریف منطقی برای او آوردیم؛ جامع همه کمالات و فاقد همه عیب‌ها. پس می‌شود گفت، امروز همه گل‌های حیات علی (ع) ریخت؛ تمام شاخه‌های سبز آن، خشک شد. به این خاطر، او به کنار بدنش برگشت

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 28

و گفت: **(لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ ...)**. «1» زندگی دنیوی زهرا (س) دیگر تمام شد؛ دیگر کسی علی (ع) را سر حال نخواهد دید. در نهج‌البلاغه است و سید رضی 1 آن را نقل کرده که علی (ع) رو به قبر پیغمبر (ص) گفت: من زهرا (س) را دفن کردم، ولی یا رسول‌الله! تا شب نوزد رمضان که شمشیر را بر فرق من بزنند و تا آن زمان، سی سال طول می‌کشد، من با این که امام معصوم، همیشه اندوهگین هستم، و دیگر، شب بی‌گریه‌ای برایم نخواهد بود، و من در تمام عمرم، مقداری از شبم را بیدار می‌مانم و گریه می‌کنم. «2» در این جا، به سبک روضه‌خوان‌های قدیم می‌خواهم چند بیت شعر بخوانم. حضرت علی (ع) به

(1) 1. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 42، ص. 213

(2) 1. نهج‌البلاغه، ص 238، کلام 193.

نگاهی به مقام حضرت فاطمه(س)، ص: 29

مردم مدینه نگفت که برای زهرا (س) گریه کنید. آن‌ها ارزش آن را نداشتند و گریه‌هایشان هم نجس بود، بلکه خود کنار قبر، رو به آسمان‌ها کرد و گفت:

بر احوالم بیار ای ابر! اشک از آسمان امشب

که من با دست خود کردم گُلَم در گِل نُهان امشب

حسن گریان، حسین نالان، پریشان زینبِین از غم

چه سان آرام بنمایم من این بی‌مادران امشب

زمین! با پیکر رنجیده زهرا مدارا کن

که این پهلو شکسته بر تو باشد میهمان امشب.